

اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین درباره اینکه مجازات ژاپنی‌های جنایتکار جنگ و گومیندانی‌های جنایتکار جنگ ضرورتاً باید در جزو شرایط صلح گنجانیده شود

(۵ فوریه ۱۹۴۹)

سخنگوی دولت ارتجاعی و خائن گومیندان در ۳۱ ژانویه به جواب گوئی به اظهاریه مورخ ۲۸ ژانویه سخنگوی حزب کمونیست چین درباره مسئله مذاکرات صلح پرداخته‌است. وی در برابر موضوعاتی که سخنگوی حزب کمونیست چین مطرح ساخته به مغالطه مبادرت جست‌است. در مورد مطالبه حزب کمونیست چین که دولت ارتجاعی و خائن گومیندان باید مسئولیت دستگیری مجدد یاسوژی‌اکامورا، این جنایتکار عمده تجاوز ژاپن بر چین، و تسلیم وی به ارتش آزادیبخش توده‌ای، و بازداشت سایر ژاپنی‌های جنایتکار جنگ و مراقبت در منع فرار آنها را بعهده گیرد سخنگوی گومیندان گفته است: این "مسئله

قضائی است که هیچ ربطی با مذاکرات صلح ندارد و بطریق اولی نمیتوان آنرا شرط قبلی مذاکرات صلح قرار داد. در مورد مطالبه حزب کمونیست چین که دولت ارتجاعی و خائن گویندگان باید مسئولیت دستگیری چانگایشک و سایر جنایتکاران جنگ را بعهده گیرد سخنگوی گویندگان گفته است: "صلح حقیقی نباید شروط قبلی داشته باشد" و اضافه کرده که سخنگوی حزب کمونیست چین "ظاهراً برخورد جدی ندارد" و بعلاوه "موجب پیچیدگی کار میشود". سخنگوی حزب کمونیست چین باین مناسبت اظهار میدارد: ما هنوز در ۲۸ ژانویه به دولت ارتجاعی و خائن گویندگان دولت اطلاق میکردیم، از این حیث برخورد ما واقعاً جدی نبوده است. بالاخره آیا این باصطلاح "دولت" هنوز وجود دارد؟ آیا در نانکن است؟ دیگر در نانکن هیچ ارگان قوه مجریه موجود نیست. آیا در گوان جو است؟ هیچ رئیس دولتی در گوان جو نیست. آیا در شانگهای است؟ در شانگهای نه ارگان قوه مجریه هست و نه رئیس دولت. پس آیا در فون هوا است؟ ولی در فون هوا جز يك باصطلاح رئیس جمهور که "بازنشستگی" خویش را اعلام داشته هیچ کس دیگر نیست. پس ما برای اینکه جدی صحبت کرده باشیم نمیبایست او را دولت تلقی میکردیم. او حداکثر دولتی فرضی یا قراردادی است. معذک فرض کنیم که چنین "دولت" قراردادی وجود دارد و سخنگوئی هست که میتواند بنام این "دولت" سخن بگوید. در آن صورت سخنگوی مذکور باید بفهمد که این دولت فرضی و قراردادی ارتجاعی و خائن گویندگان نه فقط کاری برای مذاکرات صلح انجام نداده بلکه واقعاً پیوسته موجب پیچیدگی کار میشود. مثلاً آیا شما که یاسوژی اکامورا را در لحظه ای که با چنان اشتیاقی خواهان مذاکره بودید ناگهان

تبرئه کردید موجب پیچیدگی کار نشدید؟ پس از آنکه حزب کمونیست چین دستگیری دوباره او را مطالبه کرد آیا شما که او را با ۲۶ نفر دیگر از ژاپنی‌های جنایتکار جنگ به ژاپن فرستادید دیگر بار موجب پیچیدگی کار نشدید؟ کی امروز بر ژاپن حکومت میکند؟ آیا میتوان گفت که خلق حکومت میکند و نه اسپریالیستها؟ شما آنقدر ژاپن را دوست دارید که بعقیده شما ژاپنی‌های جنایتکار جنگ در آنجا از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار خواهند بود و رفتار شایسته‌تری خواهند دید تا در مناطق تحت سلطه شما. آیا این مسئله قضائی است؟ و اگر هست چرا مطرح میشود؟ آیا ممکن است شما حتی فراموش کرده باشید که تجاوزکاران ژاپنی مدت هشت سال تمام با ما جنگیده‌اند؟ آیا این امر هیچ ارتباطی با مذاکرات صلح ندارد؟ روز ۱۴ ژانویه که حزب کمونیست چین شرایط هشت‌گانه را برای مذاکرات صلح مطرح ساخت هنوز آزادی یاسوژی اکامورا صورت نگرفته بود. آزادی مذکور روز ۲۶ ژانویه صورت گرفت، پس این مسئله‌ای است که باید مطرح شود و با مذاکرات صلح در ارتباط است. شما باطاعت از فرمان ماکارتور، روز ۳۱ ژانویه ۲۶ ژاپنی جنایتکار جنگ را با یاسوژی اکامورا به ژاپن فرستادید. پس ارتباط این مسئله با مذاکرات صلح بازهم نزدیک‌تر میشود. شما چرا تقاضای مذاکرات صلح کردید؟ برای اینکه در جنگ مغلوب شدید. و چرا مغلوب شدید؟ برای اینکه جنگ داخلی بر علیه خلق برانگیختید. و کی این جنگ داخلی را برانگیختید؟ پس از تسلیم ژاپن. و بر علیه کی این جنگ را برانگیختید؟ بر علیه ارتش آزادیبخش توده‌ای و مناطق آزادشده توده‌ای که در جنگ مقاومت ضد ژاپنی خدمات عظیمی انجام داده‌اند. و با چه وسیله‌ای باین جنگ

داخلی پرداختید؟ علاوه بر کمک آمریکا، بوسیله افرادی که در مناطق تحت سلطه خویش از خانواده‌های خود جدا کردید و بوسیله ثروت‌هایی که از خلق آنجا بغارت بردید. بمحض اینکه پیکار عظیم قاطع خلق چین بر ضد تجاوزکاران ژاپنی تمام شد، بمحض اینکه جنگ خارجی پایان یافت شما جنگ داخلی را برانگیختید. شما مغلوب شدید و تقاضای مذاکره کردید و سپس ناگهان یاسوژی اکسورا، این ژاپنی جنایتکار عمده جنگ را تبرئه کردید. و همینکه ما به اعتراض پرداختیم و خواستار شدیم که او را از نو بزنند بیفکنید تا به ارتش آزادیبخش توده‌ای تحویل داده شود، شما وی را با ۲۶ ژاپنی جنایتکار دیگر جنگ با عجله به ژاپن فرستادید. آقایان اعضاء دولت ارتجاعی و خائن گویندگان، عملی که شما مرتکب شده‌اید بیش از اندازه نامعقول است، نقض بسیار فاحش اراده خلق است. اینک ما مخصوصاً کلمه "خائن" بر عنوان شما افزوده‌ایم و شما باید آنرا بپذیرید. دولت شما مدتهاست که دولت خائن است و فقط بمنظور اختصار بوده‌است که ما گاهی این کلمه را از قلم انداخته‌ایم، حالا دیگر نمیتوانیم آنرا بقلم نیاوریم. شما علاوه بر کلیه خیانت‌هایی که در گذشته مرتکب شده‌اید اکنون خیانتی انجام داده‌اید که از فاحش‌ترین آنهاست، و این نکته‌ایست که مسلماً باید ما در طی مذاکرات صلح مورد بحث قرار دهیم. خواه شما بگوئید که این "موجب پیچیدگی کار میشود" و خواه نگوئید مسئله باید حتماً مورد بحث قرار گیرد. و از آنجا که این حادثه پس از ۴ ژانویه روی داده و نمیتوانسته‌است در شرایط هشت‌گانه که ما قبلاً تنظیم کرده بودیم مطرح باشد بنظر ما ضروری است که ماده جدیدی بر شرط نخستین اضافه شود بشرح زیرین: مجازات ژاپنیهای جنایتکار جنگ. باین طریق اینک

شرط نخستین شامل دو ماده است : الف - مجازات ژاپنی‌های جنایتکار جنگ ؛ ب - مجازات جنایتکاران جنگ داخلی . ما حق داریم این ماده جدید را بیفزائیم ؛ این ماده مبین اراده قاطبه خلق است . خلق می‌طلبد که ژاپنی‌های جنایتکار جنگ تنبیه شوند . حتی در درون گومیندان نیز بسیاری عقیده دارند که طبیعی است و عادلانه است که یاسوژی اکامورا و سایر ژاپنی‌های جنایتکار جنگ در ردیف چانکایشک و سایر جنایتکاران جنگ داخلی بمجازات برسند . خواه شما بگوئید که اراده ما در کار صلح صمیمانه است و خواه نگوئید ، مسئله این دو دسته جنایتکار جنگ باید مورد بحث قرار گیرد و هر دو دسته باید تنبیه شوند . در مورد این مطالبه ما که شما باید قبل از شروع مذاکرات بدستگیری گروهی از جنایتکاران جنگ داخلی پردازید و از فرار آنان جلوگیری بعقیده شما صلح "نباید شروط قبلی داشته باشد" . آقایان اعضاء دولت ارتجاعی و خائن گومیندان ، این شرط قبلی نیست بلکه مطالبه‌ایست که بطور کاملاً طبیعی از پذیرش شرط مربوط به مجازات جنایتکاران جنگ ناشی میشود که شما آنرا بعنوان پایه‌ای برای مذاکرات پذیرفته‌اید . ما مأموریت دستگیری این جنایتکاران را بشما دادیم تا مبادا فرار کنند . آنکه که ما هنوز تدارکات خویش را برای مذاکره تمام نکرده بودیم شما در آتش اشتیاق مذاکره سیسوختید و غصه‌دار بودید که کاری نیست تا انجام دهید . از اینجهت ما کار مناسبی برای شما معین کردیم . این جنایتکاران جنگ دستگیر خواهند شد . اگر باخر دنیا هم بگریزند باید دستگیر شوند . شما که سرشار از شفقت هستید ، شما که خواهان "کوتاه کردن جنگ" ، "تخفیف مصائب خلق" و "مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر" میباشید و همگی چنان قلب رئوفی دارید ، شما نباید نسبت به مسئولان کشتار

میلیون‌ها نفر از هموطنان خویش اظهار ترحم کنید . آنقدر که از روی حسن‌نیت شما در قبول مجازات جنایتکاران جنگ بعنوان یکی از پایه‌های مذاکرات میتوان قضاوت کرد بنظر سیرسد که شما چندان ترحمی نسبت باین افراد ندارید . بعدلک چون اظهار میدارید که دستگیری فوری اینان برای شما محظوراتی به پیش می‌آورد لاقلاً از فرارشان جلوگیری کنید . در هیچ حالی نباید بگذارید که بگریزند . فکر کنید آقایان ، پس از اینهمه زحمت که بخود دادید تا نمایندگانی برای بحث در مسئله مجازات جنایتکاران جنگ بنزد ما بفرستید اگر اینها گریخته باشند ما از چه صحبت خواهیم کرد ؟ آقایان نمایندگان شما چقدر سبک خواهند شد . در آن صورت نشانه آنهمه " تمایل صمیمانه به صلح " که شما دارید چه خواهد بود ؟ در آن صورت ، آقایان ، چگونه میتوانید ثابت کنید که شما واقعاً آرزومند " کوتاه کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " هستید و بسیج‌چوجه ریا نمیکنید ؟ سخنگوی گویندگان حرفهای نامعقول دیگر نیز بسیار زده‌است . اما این حرفها نمیتواند کسی را بفریبد و ما پاسخ گوئی بانها را بیفایده میدانیم . آقایان اعضاء " دولت " فرضی و قراردادی ارتجاعی و خائن گویندگان (در نظر داشته باشید که کلمه دولت در گیومه‌است) در نانکن یا گوان جو یا فون هوا یا شانگهای ! اگر بازهم فکر میکنید که برخورد ما در این اظهاریه جدی نیست خواهش میکنیم ما را معذور دارید زیرا که این یگانه برخوردی است که ما میتوانیم نسبت بشما داشته باشیم .

ارتش را به واحد کار مبدل کنید

(۸ فوریه ۱۹۴۹)

تلگراف سورخ چهارم فوریه شما را دریافت کردیم . اینکه در تعلیم و تقویت ارتش سرعت بخرج داده و آماده میشوید که يك ماه قبل از موعد مقرر وارد کارزار گردید (۱) ، شایان تقدیر است . امیدواریم باینکار اداسه دهید و از کوشش خود نگاهید . ولی شما عملاً باید در ماه مارس نیز همچنان به تعلیم و تقویت ارتش پردازید ، معهذا باید تکیه آموزش را روی مشی‌های سیاسی بگذارید و خود را برای تسخیر شهرهای بزرگ و اداره امور آنها آماده کنید . از این بعد فرمولی را که طی بیست سال اخیر بکار میبردیم ، یعنی "اول دهات سپس شهرها" ، معکوس میشود و باینصورت درمیآید : "اول شهرها سپس دهات" . ارتش فقط واحد نبرد نیست بلکه بطور عمده واحد کار است . کلیه کادرهای ارتش باید چگونگی تسخیر شهرها و اداره امور آنها را فراگیرند ؛ باید بخوبی بدانند که رفتارشان در شهرها با اسپریالیستها و مرتجعین گومیندان و نحوه

متن تلگرافی که از طرف رفیق مائو تسه دون برای کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در جواب به ارتشهای صحرائی دوم و سوم تنظیم شده است . این تلگراف در عین حال به سایر ارتشهای صحرائی و به

برخوردشان با بورژوازی چگونه باید باشد. آنها باید در رهبری کارگران و سازماندهی سندیکاها، بسیج و سازماندهی جوانان، در آسپختن با کادرهای مناطق تازه آزاد شده و آموزش آنان، اداره صنایع و تجارت، رهبری مدارس، روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و ایستگاههای رادیو، پرداختن باسور خارجی، فیصله دادن بمسائل مربوط به احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای، تنظیم مناسبات بین شهر و ده، حل مسایل خواربار و زغال و سایر مایحتاج و حل مسایل پولی و مالی وارد و قادر باشند. خلاصه از این بعد کادرهای ارتش و رزمندگان باید کلیه مسایل مربوط به شهر را که در گذشته با آنها آشنائی نداشتند، بمعینه بگیرند. شما در پیشروی خود چهار یا پنج استان را تسخیر خواهید کرد، علاوه بر کار در شهرها باید در مناطق روستائی پهناور نیز کار کنید. از آنجا که مناطق روستائی در جنوب همگی بتازگی آزاد میشوند، کار در این مناطق با کار در مناطق آزاد شده قدیم در شمال اساساً تفاوت دارد. در این مناطق در سال اول هنوز نمیتوان سیاست تقلیل بهره‌سالکانه و ربح را عملی ساخت. بهره‌سالکانه و ربح باید تقریباً مثل سابق پرداخته شود. شما تحت چنین شرایطی است که در دهات کار خواهید کرد. از اینجهت کار در روستا نیز اقتضا دارد که به کارآموزی جدیدی پردازید. ولی کار در ده را از کار در شهر آسانتر میتوان فراگرفت. کار در شهر دشوارتر است

بوروهای کمیته مرکزی مربوطه نیز فرستاده شد. رفیق مائو تسه دون با در نظر گرفتن اینکه پس از سه عملیات بزرگ لیائو سی - شن یان، حوای های و بی پین - تیائوزین دوره نبردهای بزرگ بسر رسیده است، بموقع در این تلگراف خاطر نشان ساخت که ارتش آزادیبخش توده‌ای فقط واحد نبرد نیست بلکه باید در عین حال واحد کار هم باشد ووظیفه عمده آن در شرایط معینی وظیفه واحد کار است. این رهنمود در

و در حال حاضر باید موضوع عمده مطالعه شما قرار گیرد. اگر کادرهای ما نتوانند طرز اداره امور شهرها را بسرعت بیاموزند، ما با مشکلات فوق العاده زیادی روبرو خواهیم شد. بنابراین شما باید کلیه مسایل دیگر را در ماه فوریه حل کنید و تمام ماه مارس را با سوختن کار در شهرها و در نواحی تازه آزاد شده اختصاص دهید. گومیندان دیگر جز یک ارتش یک میلیون و چند صد هزار نفری چیز دیگری در اختیار ندارد که آنها را دوسرزمین خیلی پهناوری پراکنده است. البته ما هنوز نبردهای متعددی در پیش داریم. ولی احتمال وقوع نبردهای بزرگ مانند عملیات اهراتیو حوای های کم و حتی میتوان گفت که اصلاً وجود ندارد و دوران نبردهای سخت و بزرگ سپری گشته است. ارتش مانند گذشته واحد نبرد است و در این مورد هیچگونه اهمالی از جانب ما نباید صورت گیرد. اگر اهمال کنیم، دچار اشتباه خواهیم شد. معدنك وظیفه ای که از هم اکنون در برابر ما قرار دارد اینست که ارتش را بواحد کار بدل سازیم. چنانچه از هم اکنون چنین وظیفه ای را در برابر خود قرار ندهیم و با اجرای آن همت نگماریم، مرتکب اشتباه بسیار بزرگی خواهیم شد. ما آماده میشویم که قریب ۵۳,۰۰۰ کادر همراه ارتش بجنوب اعزام داریم، ولی این تعداد خیلی کم است. هشت یا نه استان و ده ها شهر بزرگ که ما باید اشغال کنیم، نیازمند عمده کثیری کادر کارند، و ارتش برای حل این

آن دوره در حل مسئله کادرها در مناطق تازه آزاد شده و در توسعه بی وقفه انقلاب توده ای دارای اهمیت بزرگی بود. درباره اینکه ارتش آزادیبخش توده ای از نظر ماهیت در عین حال هم واحد نبرد و هم واحد کار است، رجوع شود به «گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین»، بخش ۲، جلد حاضر.

مسئله باید بطور عمده بخود تکیه کند. ارتش يك مدرسه است؛ ارتشهای صحرائی ما که شامل ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفراند، بمنزله چندین هزار دانشگاه و دبیرستان اند. ما برای تهیه کادرهای کار باید بطور عمده به ارتش تکیه کنیم. این نکته باید برای شما کاملاً روشن باشد. چون دوران نبردهای سخت و بزرگ بطور عمده دیگر بسر رسیده است، باید تکمیل نفرات ارتش و تأمین ساز و برگ آن در حد متناسب عملی گردد. نباید در مورد کمیت و کیفیت و تعاضیت آنقدر پرتوقع بود که موجب بحران مالی شود. این نکته دیگری است که شما باید مورد توجه جدی قرار دهید. اصول فوق‌الذکر درباره ارتش صحرائی چهارم نیز کاملاً صدق میکند و از رفقا لین بیائو و لوه ژون هوان هم خواهش میشود که به آنها توجه نمایند. ما با رفیق کان شن مفصل گفتگو کردیم و از او خواستیم که حد اکثر تا دوازدهم این ماه به شما سلحق شود و درباره این مسایل با شما مذاکره کند. تقاضا میکنیم پس از مذاکره بیدرنگ نظریه خود و همچنین اقداماتی را که میخواهید انجام دهید، تلگرافی بما اطلاع دهید. بوروی چین شرقی و ستاد کل منطقه نظامی چین شرقی باید فوراً به سیوجو منتقل شوند تا با کمیته عمومی جبهه (۲) و کمیته جبهه ارتش صحرائی سوم تشریک ساعی کنند و تمام هم خود را برای تدارک حرکت بسوی جنوب متمرکز سازند. تمام امور خود را در مورد پشت جبهه به شعبه بوروی شان دون بسپارید.

یادداشتها

۱ - ارتشهای صحرائی دوم و سوم در نظر داشتند که تاریخ گذار از

رودخانه یان تسه را که قبلاً برای آوریل ۱۹۴۹ پیش‌بینی شده بود ، يك ماه جلو بیندازند . این امر در اثر مذاکرات صلح با دولت ارتجاعی گومیندان به دهه آخر آوریل موکول گردید .

۲ - کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای اینکه به نیازمندیهای عملیات اپراتیو حوای های پاسخ دهد ، در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ تصمیم گرفت کمیته عمومی جبهه را مرکب از رفقا لیو بوه چن ، چن ای ، دن سیائو پین ، سو یو و تن جن لین ، بدبیری رفیق دن سیائو پین تشکیل دهد تا آنکه کمیته مذکور فرماندهی واحد ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ارتش صحرائی چین شرقی را بمهد و همچنین رهبری امور نظامی و عملیات را در جبهه حوای‌های عمل گرداند .

www.KetabFarsi.com

چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده‌اند هنوز بیهوده برای "صلح همگانی" جنجال میکنند؟

(۱۵ فوریه ۱۹۴۹)

رژیم ارتجاعی گومیندان زودتر از آنچه انتظار سیرفت فرو میریزد . اندکی بیش از چهار ماه از موقعیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای جی نان را گرفت و اندکی بیش از سه ماه از موقعیکه وی شن یان را بتصرف در آورد نمیگذرد که کلیه بقایای نیروهای گومیندان در عرصه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و تبلیغات گرفتار تشتت و تلاشی علاج ناپذیر گردیده‌است . فرو ریختن عمومی رژیم گومیندان با عملیاتهای اپراتیو لیاوسی - شن یان و بی پین - تیانزین در جبهه شمالی و عملیات اپراتیو حوای های در جبهه جنوبی آغاز شد . در عرض کمتر از چهار ماه ، از آغاز اکتبر سال گذشته تا پایان ژانویه اسسال این سه عملیات اپراتیو برای گومیندان بقیمت بیش از ۱,۵۴۰,۰۰۰ نفر و از آن جمله

۱۴۴ لشکر کامل از ارتش منظم او تمام شد. فروریختن عمومی رژیم گویندگان، فرجام اجتناب‌ناپذیر پیروزی‌های بزرگ خلق چین در جنگ آزادیبخش و در جنبش انقلابی است. ولی جنجال‌های "صلح" که از طرف گویندگان و خداوندگاران آمریکائیش بر پا گردید نیز نقش نسبتاً مهمی در تسریع این فرو ریختن ایفاء کرد. از اول ژانویه امسال مرتجعان گویندگان به بلند کردن سنگی بنام "تعرض صلح" دست زدند تا آن را بر سر خلق چین پرتاب کنند ولی آن سنگ بروی پا‌های خودشان افتاد. و بعبارت بهتر این سنگ گویندگان را خورد کرد. علاوه بر ژنرال فوزه ای که با ارتش آزادیبخش توده‌ای در حل مسالمت‌آمیز مسئله بی‌پن همکاری کرده است عده کثیری از اشخاص در کشور خواهان حل مسالمت‌آمیزاند. آمریکائیان با خشم ناتوانی ناظر اوضاع‌اند و نسبت به دست‌پروردگانی که امید آنان را فریب داده‌اند سخت بر آشفته‌اند. در واقع تعرض صلح، این سلاح سحرآسا، از زرادخانه‌های آمریکا بیرون آمده و بیش از شش ماه پیش بوسیله آمریکائیان به گویندگان هدیه شده‌است. خود لیتون استوارت این سر را بروز داد. استوارت پس از آنکه چانکایشک باصطلاح پیام اول سال خویش را منتشر ساخت به خبرنگار خبرگزاری مرکزی چنین اظهار داشت: اینست "آنچه خود من پیوسته در راه آن کوشیده‌ام". بطوری که خبرگزاری‌های آمریکائی گزارش دادند خبرنگار مذکور چون این سخن را "که برای انتشار نبود" انتشار داد از نان خوردن محروم شد. دارودسته چانکایشک تا مدت‌ها بنا بر علتی که صریحاً در رهنمود شعبه تبلیغات کمیته اجرائی مرکزی گویندگان مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۴۸ بشرح زیرین بیان شده جرأت اطاعت از این امر را نداشت:

اگر ما نمیتوانیم بجنگیم به صلح هم نمیتوانیم سبادت جوئیم.

و اگر میتوانیم بجنگیم در آن صورت صحبت از صلح جز اینکه روحیه سپاهیان و روحیه خلق را خراب کند نتیجه دیگری نمیدهد . از اینجهت خواه بتوانیم یا نتوانیم بجنگیم صحبت از صلح برای ما زیان دارد و هیچ سود ندارد .

گومیندان در آن هنگام این رهنمود را منتشر ساخت زیرا که فراکسیونهایی از گومیندان به هواداری از صلح برخاسته بودند . در ۲۵ دسامبر گذشته بای چون سی و شورای مشورتی ایالتی حو به تحت رهبری او مسئله " حل مسالمت آمیز " (۱) را در برابر چانکایشک مطرح ساختند و وی مجبور شد که در اول ژانویه در طی اظهاریه‌ای از مذاکرات صلح بر اساس شرایط پنج‌گانه سخن بگوید . چانکایشک امیدوار بود که اختراع تعرض صلح را از بای چون سی بر باید و سلطه کهن خویش را در زیر عنوان جدید ادامه دهد . روز ۸ ژانویه جان چیون را به حان کونزد بای چون سی فرستاد تا پشتیبانی او را بدست آورد و در همان روز از دولت آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و اتحاد شوروی خواستار شد که در جنگ داخلی چین مداخله کنند (۲) . اما همه این اقدامات با ناکامی روبرو شد . اظهاریه ۱۴ ژانویه مائوتسه دون صدر حزب کمونیست چین ضربه هلاک بر دسیسه صلح دروغین چانکایشک وارد آورد و وی را مجبور ساخت که یک هفته بعد "بازنشسته شود" و به پشت پرده برود . چانکایشک ، لی زون ژن و آمریکائیان همه گونه تدارک لازم برای این دسیسه چیده بودند و امیدوار بودند که بهمدستی یکدیگر نمایشنامه صاست جالبی بروی صحنه بیاورند . اما نتیجه بر خلاف انتظار آنان بود : نه فقط تماشاگران سالن پیوسته کم شدند بلکه خود هنرپیشگان نیز یکی پس از دیگری صحنه را ترك گفتند . چانکایشک هنوز در فون هوا در همان "حالت باز نشستگی"

برهبری بقایای نیروها مشغول است ولی وی موقعیت قانونی خویش را از دست داده است و کسانی که باو باور دارند روز بروز کمیاب تر میشوند . "شورای اجرائی" سون کا بابتکار خود "انتقال حکومت به گوان جو" را اعلام داشته و نه فقط در برابر "رئیس جمهور" و "کفیل ریاست جمهور" بلکه همچنین در برابر "شورای قانونگزاری" و "شورای تفتیش" پرچم استقلال برافراشته است . "شورای اجرائی" سون کا بجنگ دعوت میکند (۳) ولی "وزارت دفاع ملی" که عهده دار وظائف جنگ است نه در گوان جو است و نه در نانکن ، و یگانه اثری که از او مشاهده میشود اینست که سخنگویش در شانگهای است . باین طریق یگانه چیزی که لی زون ژن میتواند هنوز از فراز "شهر سنگی" ببیند ... آسمان است که

در خلاء بیکرانی که در هیچ جا راه را بر نگاه نمیندد
بر روی کشور وو و چو افتاده است (۴) .

از روز ۲۱ ژانویه که لی زون ژن بکار پرداخته هیچیک از فرمان هایش اجرا نشده است . اگر چه گویندگان دیگر "دولت" "همگانی" ندارد و در جاهای بسیاری اقدامات برای صلح محلی در جریان است سرسختان گویندگان با صلح محلی مخالفت میورزند و خواهان "صلح همگانی" اند . اما هدف حقیقی آنان اینست که صلح را بکناری زنند باین امید که جنگ را دنبال کنند . آنان سخت بیمناک اند که مبدا این اقدامات صلح محلی بعدی دامنہ یابد که از نظارت آنان خارج شود . این مسخره که گویندگان پراکنده و متلاشی خواهان "صلح همگانی" است با اظهاریه ۹ فوریه دن وین ای ، این جنایتکار جنگ و رئیس شعبه کار سیاسی باصطلاح وزارت دفاع ملی در شانگهای باوج خود رسید . دن وین ای

مانند سون کا اظهاریه ۲۲ ژانویه لی زون ژن را که هشت شرط صلح حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات پذیرفته بود رد کرد و "صلح بر پایه تساوی، صلح همگانی" را اعلام داشت و گفت که در غیر اینصورت "ما از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم ورزید و با کمونیست‌ها تا آخر مبارزه خواهیم کرد". ولی دن وین ای فراموش کرد که بگوید ما، ما دشمنان وی، اینک با چه کسی باید درباره "صلح بر پایه تساوی، صلح همگانی" مذاکره کنیم. مراجعه به دن وین ای ظاهراً بجائی نخواهد رسید. اما مراجعه بشخص دیگر غیر از او نیز بجائی نخواهد رسید. اینست که انسان را دچار معذور میکند. بموجب خبر خبرگزاری مرکزی از شانگهای بتاريخ ۹ فوریه:

یکی از روزنامه‌نگاران از دن وین ای پرسید: "آیا کفیل ریاست جمهوری شروط چهارگانه اظهاریه شما (۵) را تأیید کرده‌است؟" دن وین ای پاسخ داد: "موضع من موضع وزارت دفاع ملی است. شروط چهارگانه که امروز منتشر میشود قبلاً بنظر کفیل ریاست جمهوری نرسیده‌است."

در اینجا دن وین ای نه فقط موضع خاصی بنام موضع باصطلاح وزارت دفاع ملی اختراع کرده که غیر از موضع عمومی باصطلاح دولت‌گومیندان است بلکه در واقع موضع خاص‌تری بنام موضع شعبه کار سیاسی باصطلاح وزارت دفاع ملی اختراع کرده که غیر از موضع خاص وزارت اخیر است. زیرا که دن وین ای با حل مسالمت‌آمیز مسئله بی‌پین آشکارا مخالفت ورزیده و بیان تاخته‌است، و حال آنکه باصطلاح وزارت دفاع ملی در ۲۷ ژانویه از این امر استقبال کرد و آن را اقدامی دانست که "کوتاه کردن جنگ و نیل به صلح، و حفظ بی‌پین، این پایتخت کهن سال،

و حفظ ثروت‌های فرهنگی و بناهای تاریخی آن " را میسر میگرداند و اظهار داشت که در دا تون، در سوی یوان و سایر جاها (۶) نیز بهمین طریق "قطع مخاصمه عملی خواهد شد". از اینجا بر میآید که مرتجعانی که با حرارت بیشتر برای "صلح همگانی" جنجال میکنند درست همان‌هایی هستند که کمتر از همه موضع همگانی دارند. يك شعبه کار سیاسی وزارت دفاع ملی بخود اجازه میدهد که بمخالفت با وزارتخانه خویش و حتی کفیل ریاست جمهور سخن بگوید. امروزه این مرتجعان بزرگترین مانع تحقق صلح در چین اند. رؤیای آنها اینست که در پناه شعار "صلح همگانی" به تهبیح به سود جنگ همگانی پردازند. سخن آنها عیناً اینست: "اگر جنگ است باید جنگ همگانی باشد و اگر صلح است باید صلح همگانی باشد". ولی در واقع نه آن نیرو را دارند که به صلح همگانی تحقق بخشند و نه آن نیرو که بجنگ همگانی دست بزنند. نیرو کاسلاً در دست خلق چین است، در دست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین، در دست حزب کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک است، در دست گویندگان که در پراکندگی و تلاشی کامل افتاده‌است نیست. يك طرف تمام نیرو را در دست دارد و طرف دیگر در پراکندگی و تلاشی کامل علاج‌ناپذیری است. این نتیجه مبارزه طولانی خلق چین و نتیجه سلسله طولانی جنایات گویندگان است. هیچ صاحب نظری نمیتواند این واقعیت اساسی را در وضعیت سیاسی چین کنونی از دیده فرو گذارد.

یادداشتها

۱ - بای چون سی فرمانده ستاد کل گویندگان برای "امعاء راهزنان" در

چین مرکزی ، با استفاده از موقعیت بسیار نامناسبی که در آن دوره برای چانکایشک پیش آمده بود در ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ بوی پیشنهادی داد مبنی بر "حل مسالمت آمیز" مسئله جنگ داخلی باین قصد که چانکایشک را به کناره گیری از قدرت وادار سازد و موقعیت دارودسته گوان سی که بای چون سی بآن وابسته بود تحکیم شود . باصطلاح شورای مشورتی ایالتی حو به ، تحت رهبری بای چون سی تلگرافی به چانکایشک فرستاد و بوی گوشزد کرد که "اگر این جنگ مغرب همچنان دامنه گیرد و اگر کوششی فوری برای ترمیم وضعیت بعمل نیاید ، حکومت و خلق رهسپار فنا خواهند شد" و از او خواست که "راه حل عادی سیاسی را دنبال کند و در جستجوی وسائلی برای از سرگرفتن مذاکرات صلح باشد" .

۲ - تقاضای مداخله از طرف دولت آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و شوروی رد شد . دولت آمریکا در "یادداشت" ۱۲ ژانویه به دولت گومیندان توضیح داد که آمریکا تقاضای دولت گومیندان را رد میکند زیرا که از این کار "تصور نمیرود نتیجه مفیدی عاید گردد" . این رد تقاضا بآن معنی بود که دولت آمریکا در همان هنگام نیز حس میکرد که دیگر نمیتواند از فنای رژیم ارتجاعی چانکایشک ، این رژیم مورد پشتیبانی خود ، جلوگیری کند .

۳ - در روزهای ۶ و ۷ فوریه ۱۹۴۹ سون کا ، رئیس باصطلاح شورای اجرائی دولت گومیندان ، دو اظهاریه در گوان جو داد و در آنها با اظهاریه لی زون ژن در مورد قبول شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بعنوان پایه مذاکرات صلح مخالفت ورزید . وی گفت : "دولت به گوان جو منتقل شده است و در آنجا عمل میکند و ما باید گذشته خویش را مورد بررسی انتقادی قرار دهیم" . همچنین وی اظهار داشت : "شرط مربوط به مجازات جنایتکاران جنگ که کمونیست ها به پیش کشیده اند ابدأ پذیرفتنی نیست" .

۴ - مستخرج از قطعه شعری است بعنوان « بر باروی شهر سنگی » که بوسیله شاعر چینی قرن ۱۴ ، سعد الله ، در زمان سلسله یوان ها بر زمینه « نیان نو جیائو » ساخته شده است . "شهر سنگی" نام قدیم نانکن است . کشور وو و چو بترتیب در قسمت پائین و وسط رودخانه یان تسه قرار داشت .

۵ - دن وین ای در اظهاریه کتبی خویش راجع به « تحول صلح و جنگ » "چهار ماده" زیرین را اعلام کرد : ۱ - "دولت صلح میخواهد" ؛ ۲ - "حزب کمونیست چین جنگ میخواهد" ؛ ۳ - "صلح محلی در بی پین نیرنگی شده است" ؛ ۴ - "ما از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم ورزید و با کمونیست ها تا آخر مبارزه

خواهیم کرد» .

۶ - پس از آزادی تیائزین و بی پین فقط چند نقطه منفرد در دست نیروهای گومیتدان در چین شمالی باقی ماند که از آن جمله عبارت بود از : تای یوان ، دا تون ، سین سیان ، ان یان ، گوی سوی . سپاهیان دشمن در تای یوان در ۲۴ آوریل ۱۹۴۹ بکلی نابود شدند . سپاهیان دا تون در ۱ ماه مه به تجدید سازمان مسالمت‌آمیز تن در دادند . سپاهیان سین سیان در ۵ ماه مه به ارتش آزادیبخش توده‌ای تسلیم شدند . سپاهیان ان یان در ۶ ماه مه نابود شدند . گوی سوی در ۱۹ سپتامبر از طریق مسالمت‌آمیز آزاد شد .

www.KetabFarsi.com

مرتجعان گومیندان از "دعوت بصلح" بدعوت بجنگ روی آورده‌اند

(۱۶ فوریه ۱۹۴۹)

سرجنبانان دارودسته ارتجاعی گومیندان که پس از آنکه چانکایشک راهزن در روز ۱ ژانویه به تعرض صلح پرداخت پیوسته از اراده خویش مبنی بر "کوتاه کردن جنگ"، "تخفیف مصائب خلق" و "مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر" دم میزدند از دهه اول فوریه ناگهان ترجیع‌بند صلح را رها کردند و ذکر دیرینه خویش را از سر گرفته: "مبارزه با کمونیستها تا آخر". این امر بخصوص در روزهای اخیر مشهود است. در «آموزشهای خاص برای تبلیغات» که در ۱۳ فوریه از طرف شعبه تبلیغاتی کمیته اجرایی مرکزی گومیندان به "کلیه سازمانها و کلیه جرائد حزب" داده شده است چنین گفته میشود: "به میان بین بانشار تبلیغاتی برای مناطق پشت جبهه ما دست زده که بموجب آن حزب کمونیست چین صمیمانه خواستار صلح است. در عین حال اقدامات نظامی دولت را بعنوان نشانه عدم حسن‌نیت در امر صلح محکوم ساخته است. کلیه جرائد

ما باید این اظهارات را مستقیم و غیر مستقیم بر طبق موارد زیرین مجدانه رد کنند .

آنگاه « آموزشهای خاص برای تبلیغات » يك سلسله دليل برای این «رد کردن» می آورد :

بهتر است که دولت تا آخر مبارزه کند تا آنکه بدون شرط تسلیم شود .

شرایط هشت گانه مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه بمعنای فتنای ملت است . دولت نمیبایست آنها را بپذیرد .

... حزب کمونیست چین . . . باید مسئولیت بهم زدن

صلح را برعهده گیرد . ولی معذک اکنون وی فهرستی از باصطلاح

جنایتکاران جنگ تنظیم کرده که شامل کلیه رهبران دولت است ،

و حتی خواسته است که دولت بدستگیری آنها آغاز کند ، این

امر بصراحت میرساند که حزب کمونیست چین تا چه درجه مغرور

و نابخرد است . اگر روش وی تغییر نپذیرد بدون تردید یافتن

وسيله‌ای برای آغاز مذاکرات صلح دشوار خواهد شد .

دیگر اثری از آن یتابی برای مذاکرات صلح که دو هفته پیش دیده

میشد مشهود نیست . دیگر این کلمات مشهور که در همه جا پخش

میشد و بدلها مینشست بگوش نمیرسد : « کوتاه کردن جنگ » ،

« تخفیف مصائب خلق » و « مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات

دیگر » . اگر حزب کمونیست چین حاضر نیست « روش » خود را تغییر

دهد و بر سر مجازات جنایتکاران جنگ اصرار میورزد مذاکرات صلح

غیر ممکن خواهد شد . در این صورت کدام ملاحظه است که بر

ملاحظات دیگر مقدم است ؟ نجات خلق یا نجات جنایتکاران جنگ ؟

اگر از روی « آموزشهای خاص برای تبلیغات » که بوسیله این سرجنابانان گومیندان تنظیم شده است قضاوت کنیم اینان نجات جنایتکاران جنگ را مقدم می‌شمرند . حزب کمونیست چین در مورد فهرست جنایتکاران جنگ همچنان با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای مشغول مشورت است و هم اکنون نظریاتی از جوانب مختلف باو رسیده است . هیچیک از نظریاتی که تا امروز رسیده با فهرستی که روز ۲۵ دسامبر گذشته از طرف شخصیت صلاحیت‌دار حزب کمونیست چین مطرح شد موافق نیست . چنین اظهار عقیده میشود که فهرستی که فقط نام چهل و سه جنایتکار جنگ را در بردارد خیلی کوتاه است ؛ تعداد مسئولان برانگیختن جنگ ضد انقلابی و کشتار چندین میلیون انسان مسلماً به چهل و سه محدود نمیشود ، باید از صد نفر خیلی بیشتر باشد . ما عجبالتاً فرض کنیم که تعداد جنایتکاران جنگ بیش از صد نفر باشد . در این صورت میخواهیم از سرجنابانان گومیندان بپرسیم : چرا با مجازات جنایتکاران جنگ مخالفت می‌ورزید ؟ آیا خواهان " کوتاه کردن جنگ " و " تخفیف مصائب خلق " نیستید ؟ اگر بعلت مخالفت شما جنگ ادامه یابد آیا این گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ نیست ؟ " گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ " همان اتهامی بود که شما در اظهاریه ۲۶ ژانویه ۱۹۴۹ بنام سخنگوی دولت نانکن بر حزب کمونیست چین وارد می‌ساختید . آیا اینک میخواهید این اتهام را پس بگیرید و آنگاه آن را بر پلاکات نوشته بعنوان علامت افتخار برگردن خویش بیاویزید ؟ شما از آن مردان سرشار از شفقت هستید که " نجات خلق را بر ملاحظات دیگر مقدم می‌شمرند " . پس چرا ناگهان تغییر روش میدهید و نجات جنایتکاران جنگ را بر ملاحظات دیگر مقدم میدارید ؟ طبق آمار وزارت

کشور شما جمعیت چین دیگر ۵۰۰ میلیون نیست بلکه ۷۵۰ میلیون است. این رقم را با رقم جنایتکاران جنگ که صد و چند ده نفر است مقایسه کنید: کدام يك بزرگتر است؟ شما سرجنابانان حساب میدانید. بخود زحمت بدهید و قبل از هرگونه نتیجه گیری از روی کتاب درسی خویش درست حساب کنید. اگر پیش از آنکه این حساب را درست انجام دهید با عجله به تغییر بیان نخستین خویش، یعنی "مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر" یعنی بیان والائی که مورد قبول ما و قاطبه خلق است، بپردازید و بیان دیگر، یعنی "مقدم داشتن نجات صد و چند ده نفر جنایتکار جنگ بر ملاحظات دیگر" را بجای آن بگذارید در آن صورت نمیتوانید خودتان را سر پا نگه دارید. مواظب باشید. این اشخاص که پیوسته لزوم "مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر" را تکرار میکردند، پس از آنکه چند هفته "صلای صلح" در دادند اينك از "صلای صلح" به صلای جنگ روی آورده‌اند. بدبختی سرسختان گومیندان در همین است که لجوجانه با خلق مخالفت می‌ورزند، خلق را پامال میکنند، و بدین جهت بر فراز معبد منفرد میمانند و تا نفس واپسین توبه نمیکنند. توده‌های وسیع خلق در حوضه یان تسه و در جنوب، شماها، کارگران، دهقانان، روشنفکران، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی، متنفذین روشن بین و اعضای با وجدان گومیندان، گوش فرا دارید: عمر سرسختان گومیندان که شما را پامال کردند پایان رسیده است، شما و ما در يك جانب قرار داریم. این يك مشت سرسخت بزودی از فراز معبد ساقط خواهند شد و چین توده‌ای قدم بعرصه خواهد گذاشت.

تفسیری در باره پاسخ‌های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ

(۱۸ فوریه ۱۹۴۹)

دولت که از همان پایان جنگ مقاومت باتخاذ سیاست صلح و ساختمان ملی دست زد کوشید که مسئله حزب کمونیست چین را از راه مسالمت‌آمیز حل کند . اما حزب کمونیست چین در عرض يك سال و نیم کلیه قراردادها را نقض کرد . پس اوست که باید مسئولیت بهم زدن صلح را بر عهده گیرد . ولی معذالك اکنون وی فهرستی از باصطلاح جنایتکاران جنگ تنظیم کرده که شامل کلیه رهبران دولت است ، و حتی خواسته است که دولت بدستگیری آنها آغاز کند . این امر بصراحت سیرمماند که حزب کمونیست چین تا چه درجه مغرور و نابخرد است . اگر روش وی تغییر نپذیرد بدون تردید یافتن وسیله‌ای برای آغاز مذاکرات صلح دشوار خواهد شد .

اینست کلیه استدلالات مربوط به مسئله مسئولیت جنگ که در « آموزش‌های خاص برای تبلیغات » مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۹ صادر از

شعبه تبلیغات کمیته اجرائی مرکزی گومیندوان آمده است .

آورنده این استدالات کس دیگر نیست سگر جنایتکار شماره یک جنگ ، چانکایشک . اوست که در اظهاریه روز اول سال خود گفته بود :
من که پیرو پرشور سه اصل خلق و امانتدار آموزش های پدر جمهوری هستم نمیخواستم که عملیات نظامی برای امحاء راهزنان را جانشین جنگ بر ضد ژاپن سازم و باین طریق موجب تشدید مصائب خلق شوم . از اینجهت همینکه جنگ مقاومت پایان یافت دولت ما سیاست صلح و ساختمان ملی را اعلام داشت و در صدد برآمد که مسئله حزب کمونیست را از راه مشاوره سیاسی و وساطت نظامی حل کند . اما بر خلاف انتظار ما حزب کمونیست مدت يك سال و نیم منتظماً با کلید قراردادها و طرح ها مخالفت ورزید بطوری که اجرای آنها بر طبق تصمیمات پیش بینی شده غیرممکن گردید . بالاخره هم به شورش مسلح همگانی دست زد و حتی وجود حکومت را بمخاطره افکند . باین طریق دولت ما در برابر این ضرورت تأسف آور قرار گرفت که با اعلام بسیج همگانی برای سرکوب شورش مبادرت جوید .

روز ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ یعنی هفت روز پیش از آنکه چانکایشک این اظهاریه را بدهد ، شخصیت صلاحیت دار حزب کمونیست چین فهرستی از چهل و سه جنایتکار جنگ ارائه داد که نام چانکایشک در رأس آن میدرخشید . جنایتکاران جنگ که میخواهند هم تقاضای صلح کنند و هم مسئولیت را از گردن خویش بیفکنند راهی بهتر از آن نمیبینند که این مسئولیت را بعهده حزب کمونیست بگذارند . ولی این دو چیز باز هم سازگار نیست . اگر حزب کمونیست چین مسئولیت برانگیختن

جنگ را برعهده دارد ، باید او را مجازات کرد . اگر کمونیستها " راهزن " اند باید به " امحاء راهزنان " همت گماشت . اگر آنها " به شورش مسلح همگانی دست زده‌اند " باید " شورش را سرکوب کرد " . " امحاء راهزنان " و " سرکوب شورش " صد در صد عادلانه است . پس چرا باید از آن روی تافت ؟ پس چرا لغت " راهزنان کمونیست " از روز ۱ ژانویه ۱۹۴۹ در کلیه اسناد منتشره گویندگان جای خود را به " حزب کمونیست " داده است ؟

سون کا چون حس میکرد که يك جای کار عیب دارد در نطق رادیوئی خویش در شب همان روز اول سال که چانکایشک اظهاریه داد استدلال دیگری در مورد مسئولیت جنگ آورد . وی گفت :

بخطار داریم که سه سال پیش در دوره‌ای که بلافاصله پس از پایان پیروزی جنگ مقاومت آغاز شد از آنجا که خلق به نیرو گرفتن و دولت به ساختمان مجددانه محتاج بود و احزاب مختلف هنوز درك مشترکی از این نیازندیمها داشتند ، ما نمایندگان محافل مختلف و سرشناسان را به کنفرانس مشورتی سیاسی دعوت کردیم . پس از سه هفته کوشش ، و بخصوص در اثر وساطت خیرخواهانه آقای مارشال ، نماینده مخصوص پرزیدنت ترومن ، ما بر سر برنامه صلح و ساختمان ملی و همچنین بر سر طرح‌های مشخصی برای حل اختلافات خویش توافق بعمل آوردیم . باسانی میتوان تصور کرد که اگر ما این طرح‌ها را بموقع عملی ساخته بودیم امروزه چین چقدر شکوفان بود و خلق چه سعادتى داشت ! متأسفانه در آن دوره هیچیک از طرف‌های ذینفع نخواست از منافع خودخواهانه خویش کاملاً بگذرد و قاطبه خلق هم بیشترین مساعی خود را در راه

تسریع پیشرفت جنبش بسود صلح بکار نبرد . بالنتیجه مصیبت جنگ دوباره برخاست و خلق را در بینوایی و رنج غوطه‌ور ساخت . سون کا اندکی " منصف " تر از چانکایشک است . چنانکه میبینید او مانند چانکایشک همه مسئولیت جنگ را بر عهده حزب کمونیست نمیافکند بلکه آن را بطور متساوی میان " طرف‌های ذینفع " تقسیم میکند و شیوه " تساوی حقوق در مالکیت ارضی " را بکار میبرد . باین طریق گومیندان ، حزب کمونیست ، جامعه دموکراتیک و سرشناسان هر يك سهمی دارند . بعلاوه ، " قاطبه خلق " هم سهمی دارد . هیچیک از ۷۵ میلیون نفر هموطن ما نمیتواند شانه از زیر مسئولیت خالی کند . در حالی که چانکایشک فقط حزب کمونیست را چوب میزند سون کا همه احزاب ، همه یحزب‌ها و همه هموطنان ما را چوبکاری میکند . حتی چانکایشک و شاید خود سون کا هم چوب بخورد . میبینید که در اینجا دو تن از گومیندان یعنی سون کا و چانکایشک در مقابل هم‌اند . شخص سومی از همین حزب پیش سیاید و میگوید : نه ، بعقیده من تمام مسئولیت باید بر عهده گومیندان بیفتد . نام این شخص لی زون ژن است . لی زون ژن در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۹ بمتابه " کفیل ریاست جمهور " اظهاریه‌ای داد و در مورد مسئولیت جنگ چنین گفت :

جنگ داخلی سه ساله که بدنبال جنگ هشت ساله مقاومت در آمد نه فقط آخرین امیدی را که کشور پس از پیروزی در جنگ مقاومت باحیاء خود داشت یکباره از میان برد بلکه در جنوب و شمال رودخانه زرد خرابی افشاند ، کشت‌گاهها و ساکن بشماری را ویران ساخت ، هزاران و هزاران بیگناه را کشت و زخمی کرد ، خانواده‌ها را در همه جا پراکنده گردانید ، ناله

کسانی را که از گرسنگی و سرما رنج میکشند در آورد . این جانک‌ترین مصیبتی است که در تاریخ جنگ‌های داخلی بر سر کشور ما آمده است .

لی زون ژن در این اظهاریه هیچ نامی را ذکر نمیکند . او مسئولیت را نه برگردن گومیندان میاندازد ، نه برگردن حزب کمونیست و نه برگردن هیچ حزب یا گروه دیگر . ولی يك واقعیت را تصدیق میکند و آن اینست که ” جانک‌ترین مصیبت ” در جای دیگری روی نداده است مگر ” در جنوب و شمال رودخانه زرد ” . پس بررسی کنیم که چه کسی این ” جانک‌ترین مصیبت ” را در مناطقی که در جنوب رودخانه زرد تا رودخانه یان تسه و در شمال رودخانه زرد تا رودخانه سون هوا جیان گسترده شده برانگیخته است . آیا ممکن است که این ” جانک‌ترین مصیبت ” در این مناطق بوسیله خلق و ارتش وی برانگیخته شده باشد که با یکدیگر بجنگ پرداخته‌اند ؟ و از آنجا که لی زون ژن سابقاً رئیس ستاد ژنرال‌سیم در بی پین بود و سپاهیان دارودسته گوان سی او سابقاً در کنار سپاهیان چانک‌ایشک تا درون مناطق کوهستانی ای مون ، در استان شان دون (۱) جنگیده‌اند ، وی باید اطلاعات قابل اطمینانی درباره اینکه این ” مصیبت ” کجا و چگونه بوجود بیامد داشته باشد . اگر نمیتوان هیچ چیز خوبی از لی زون ژن گفت در هر حال باید قبول کرد که در اینجا اظهاریه راستگویانه‌ای داده است . بعلاوه بجای آنکه از ” سرکوب شورش ” و ” اسحاء راهزنان ” سخن بگوید وی این جنگ را ” جنگ داخلی ” مینامد ، و میتوان گفت که این از جانب گومیندان يك چیز تازه است .

لی زون ژن برحسب منطق خود در همین اظهاریه میگوید که

” دولت حاضر بود بیدرنگ بر اساس شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بمذاکره پردازد “ . لی زون ژن میداند که شرط اول این هشتگانه عبارتست از مجازات جنایتکاران جنگ ، و نام نامی او نیز در فهرست است . اینکه جنایتکاران جنگ باید بمجازات برسند نتیجه منطقی ناشی از ” مصیبت “ است . باین علت است که سرسختان گومیندان هم اکنون نیز لی زون ژن را با زبان الکن در پرده نکوهش میکنند و میگویند : ” شرایط هشتگانه مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه بمعنای فنای ملت است . دولت نمیبایست آنها را بپذیرد . “

بیدلیل نیست که سرسختان فقط با زبان الکن به نکوهش در پرده میپردازند و جرأت نکوهش آشکار ندارند . پیش از آنکه چانکایشک ” باز نشسته شود “ سرسختان در این فکر بودند که شرایط هشتگانه ما را رد کنند ولی چانکایشک پس از تأمل تصمیم گرفت که چنین نکند زیرا که ظاهراً باین عقیده رسید که رد کردن آنها هیچ مفری برای او باقی نخواهد گذاشت ، وضع در ۱۹ ژانویه باین منوال بود . آن روز صبح جان جیون مای در باز گشت از نانکن به شانگهای اعلام داشت که ” دولت در جواب شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بزودی اظهاریه دیگری خواهد داد “ و همان شب خبرگزاری مرکزی در این باره بخشنامه ای اداری صادر کرد مشعر بر اینکه :

یادداشت زیرین را بر خبری که هم اکنون درباره اظهاریه جان جیون مای از شانگهای دادیم اضافه کنید : در مورد گفتار جان جیون مای حاکی از اینکه دولت بزودی اظهاریه دیگری خواهد داد ، خبرنگار خبرگزاری مرکزی از محافل صلاحیت دار کسب اطلاع کرده است که دولت چنین قصدی ندارد .